بى‏حجابى

پيدايش و پيامدها

فاطمه حسين بخش رحيمى

پوشاك و نحوه پوشش زن در طول تاريخ، دستخوش تحولات عظيمى گشته و فراز و نشيب‏هاى زيادى را طى كرده است. در مورد تاريخ بى‏حجابى، اگر چه دانشمندان از وجود برخى اقوام بدوى كه مرد و زن آن هيچ گونه پوششى نداشتند، سخن به ميان آورده‏اند، اما از آن جا كه به شدت نادر بوده، نمى‏توان آن را مبدأ تاريخ بى‏حجابى زنان قرار داد.

تاريخ بى‏حجابى به شكل اخير را مى‏توان به اواخر قرن نوزدهم منتسب نمود، كه پس از رنسانس علمى، صنعتى اروپا و جنگ جهانى دوم و انقلاب صنعتى، زمينه لازم فراهم گرديد و آزادى زنان و كنار گذاشتن حجاب مورد تشويق و تكريم قرار گرفت. كارخانه داران بزرگ براى استفاده از نيروى كار ارزان قيمت و امكان حضور زنان در محيط كار، تبليغات وسيعى را آغاز و زنان نيز در تلاش فراوان براى دست يافتن به حقوق از دست رفته خويش (!) موجى را به وجود آوردند كه «نهضت زنان براى آزادى» نام گرفت و در جرائد و مجلات درباره محاسن آن تبليغات وسيعى انجام گرفت.

دامنه اين اقدامات، كم كم كشورهاى اسلامى را نيز فرا گرفت و به صورت سلاحى كارآمد براى تضعيف معنويت و اخلاق و سقوط جامعه اسلامى به كار گرفته شد و استعمارگران در ترويج آن از هيچ اقدامى فروگذار نكردند.

نخستين كشور اسلامى كه به طور رسمى اقدام به كشف حجاب از بانوان نمود، افغانستان بود. امان الله خان، پادشاه افغانستان، بعد از مسافرت به اروپا، به محض ورود به پايتخت اعلام نمود كه زنان بايد حجاب‏ها را كنار بگذارند و به عنوان نخستين مجرى اين طرح، با همسرش بدون حجاب در مجامع و محافل ظاهر شد. اين اقدام ناشايسته، موجب قيام عمومى شد و امان الله خان ناچار به استعفا و ترك كشور گرديد.

دومين كشور تركيه بود كه بعد از سقوط دولت عثمانى، آتاتورك در سال 1313، فرمان منع حجاب را صادر نمود.

در ايران، توسط رضاخان زمينه سازى براى بى‏حجابى، همراه با الهام گرفتن از اقدامات آتاتورك آغاز گرديد، كه مردم براى اعتراض به آن، در تاريخ 21 تير ماه 1314، در مسجد گوهرشاد، تحصن كردند و عده زيادى به خاك و خون خفتند. رضا خان با ناديده گرفتن خواسته‏هاى مردم مسلمان، در روز 17 دى ماه 1314، به همراه ملكه و شاه دخت‏هاى بى‏حجاب، به طور رسمى در دانشسراى مقدماتى تهران، اين عمل را به مرحله اجرا گذاشته و بعد از مدتى با زور نيزه به عملى كردن كشف حجاب پرداخت. اين اقدامات توسط محمدرضاشاه نيز دنبال شد، ولى به جز اندكى ناآگاه، قانون حجاب همچنان در كشور حفظ گرديد.(1)

با پيروزى انقلاب اسلامى به رهبرى امام خمينى (ره)، زنان با آگاهى بيشتر به پاسدارى از حجاب اسلامى پرداختند و ارزش زن را تحت لواى حجاب به جهانيان نشان دادند.

اينك با گذشت بيست و پنج سال از پيروزى انقلاب اسلامى و استحكام آن در منطقه و جهان، استراتژى استكبار جهانى، ترويج فرهنگ فساد و بدحجابى در بين زنان و دختران و دور كردن جوانان از معنويت و فراهم آوردن زمينه گرايش به مظاهر مبتذل غرب مى‏باشد، كه لازم است باهوشيارى لازم، عمق فاجعه‏اى را كه در صورت موفقيت دشمن شكل خواهد گرفت، بشناسيم و براى مقابله با آن اقدامات لازم را به عمل آوريم.

پيامدهاى بى‏حجابى

فساد از ديرباز به عنوان يكى از عوامل تباهى اجتماعات بشرى شناخته شده است. انسان در طول تاريخ، عوارض نامطلوب آن را به طور مكرر تجربه كرده، به طورى كه مى‏توان موارد تجربه شده را به صورت يك قانون كلى حاكم بر جوامع انسانى ارائه نمود. عمق فاجعه ناشى از فرهنگ بى بند و بارى، سران استكبار جهانى را نيز به فرياد درآورده و آنان را به چاره جويى واداشته است. «كندى»، رئيس جمهور اسبق و تئوريسين معروف آمريكايى، مى‏گويد: «نسل جوان اروپايى و آمريكايى هوسبازند. من براى نسل آينده آمريكا بيمناكم. از اين رو، دانشمندان و روشنفكران ومعلمين اجتماع را دعوت مى‏كنيم كه درباره اين خطر بزرگ كه دنياى بشريت را تهديد مى‏كند، فكرى كرده و راه علاجى پيدا نمايند.»

خروشچف، رئيس جمهور اسبق اتحاد جماهير شوروى مى‏گويد: «آينده شوروى در خطر است و جوانان هرگز آتيه اميد بخشى ندارند؛ چه بى بند و بار و اسير شهوت گشته‏اند.»(2)

اينك گوشه‏اى از عوارض شوم بى‏حجابى را ارائه كرده تا زنان با آگاهى كامل و نه از روى تقليد و بى‏خبرى مسير خويش را گزينش نمايند:

1- سقوط شخصيت انسانى زن‏

حجاب صدفى است كه گوهر گرانبهاى هستى را دربر مى‏گيرد و شخصيت او را بالا مى‏برد. آرى بشر همواره اشياء ذى‏قيمت را از دسترس ديگران دور نگهداشته و با شيوه‏هاى خاص از آن مراقبت مى‏نمايد. به همين جهت، اشيايى كه در همه جا يافت شده و دسترسى به آن‏ها آسان است، ارزش خود را از دست مى‏دهند.

زنى كه خود را در معرض ديد همگان قرار مى‏دهد و آن چه را كه به جنسيت او مربوط مى‏شود، به كوچه و بازار مى‏كشد، در حقيقت، مى‏خواهد با تكيه بر «زنانگى» خويش، جايى براى خود در جامعه باز كند، نه با تكيه بر انسانيت خويش.

«در واقع، او بدين ترتيب اعلام مى‏كند كه آن چه براى او اصل است، «زن بودن» اوست؛ نه انسان بودن و نه انديشه و لياقت و كارآيى او. چنين زنى، قبل از همه چيز، اسير خود است. او به مغازه‏دارى شبيه است كه دائماً در فكر تزئين و تغيير دكوراسيون ويترين مغازه است، و اين انديشه به او مجال آرزوهاى بزرگتر را نمى‏دهد.»(3)

«هر قدر زن از شخصيت معنوى و زيبايى‏هاى درونى برخوردار باشد، به همان ميزان، خود را از به نمايش گذاشتن زيبايى‏هاى ظاهرى و جسمانى و خودنمايى و تن آرايى بى نياز مى‏بيند، و همان گونه كه حجاب رمز پاكى و شخصيت زن مسلمان است، و چنين زنى ديگر در خود كمبودى احساس نمى‏كند، و ارزش خويش را در تن آرايى و خود نمايى و لباس‏هاى رنگارنگ و حركات هوس‏انگيز نمى‏داند.»(4)

متأسفانه امروزه در غرب، با رواج بى‏حجابى، شخصيت انسانى زن به فراموشى سپرده شده است و تنها به زيبايى‏هاى جسمى او توجه مى‏شود. زن وسيله‏اى است براى كاميابى و موجودى است با هويت صرفاً جسمى و نه داراى يك شخصيت انسانى كه مى‏بايد مورد احترام قرار گيرد. و بدين سان ارزش زن در غرب تا حد يك كالاى لوكس تنزل پيدا كرده است.

2- فروپاشى نظام خانواده‏

خانواده اولين و مهمترين نهاد اجتماعى يك جامعه به شمار مى‏آيد. ثبات خانواده كه مركز عشق و اميد و تحقق آرزوهاى شيرين جوانان مى‏باشد، توانايى‏هاى فردى را افزايش و جامعه را استوار و پويا خواهد ساخت.

بى‏ترديد نهاد خانواده، تنها با پاسدارى از حجاب، درخشش و بالندگى لازم را پيدا مى‏كند؛ زيرا اگر در جامعه‏اى حجاب به صورت كامل رعايت گردد و تمتعات جنسى به محيط خانواده محدود گردد، جوانان به ازدواج روى آورده و خانواده‏هاى تشكيل شده نيز ثبات بيشترى مى‏يابند. اما اگر خودآرايى و تهييج جنسى در جامعه رواج يابد و بهره‏بردارى‏هاى جنسى در خارج از محيط خانواده ميسّر گردد، جوانان زير بار مسؤوليت‏هاى ازدواج نرفته و خانواده‏هاى تشكيل شده نيز روز به روز متزلزل‏تر مى‏گردد.

«با كمال تأسف و اندوه بايد گفت كه در اثر بى‏بند و بارى در پوشش، خسارت‏هاى جبران ناپذيرى متوجه اين نهاد اصيل مى‏گردد، كه به هيچ روى قابل مقايسه با ساير مضرّات اين پديده شوم نيست. عوارض نامطلوبى چون سست شدن پيوند زناشويى، و گسيختگى بنيان نهاد خانواده و در نتيجه منجر به افزايش ميزان طلاق، گسترش فساد و تباهى و سردى روابط خانوادگى، بى عاطفه گى و بى علاقه گى به ازدواج مى‏گردد.»(5)

3- افزايش التهابات و بيمارى‏هاى روانى‏

بدون ترديد، اگر زنان با حجاب و پوشش مناسب در جامعه حضور يابند، خود و خانواده و ديگر افراد جامعه از آرامش روانى برخوردار خواهند بود. اما اگر زنان در جامعه به صورت تحريك‏آميز حضور يابند، التهاب و هيجان روحى جوانان، هر لحظه با ديدن صحنه‏اى تازه، افزايش يافته و از آن جا كه ارضاى غريزه در تمامى موارد دل خواه ممكن نيست، باعث بر هم خوردن تعادل روحى مى‏گردد.

استاد شهيد مرتضى مطهرى (ره) در اين زمينه مى‏نويسد:

«... روح بشر فوق العاده تحريك‏پذير است. اشتباه است كه گمان كنيم تحريك پذيرى روح بشر، محدود به حد خاصى است و از آن پس آرام مى‏گيرد. همان طور كه بشر، در ناحيه ثروت و مقام از تصاحب ثروت واز تملك جاه و مقام سير نمى‏شود و اشباع نمى‏گردد، در امر جنسى نيز چنين است. هيچ مردى از تصاحب زيبارويان، و هيچ زنى از متوجه كردن مردان و تصاحب قلب آنان و بالاخره هيچ دلى از هوس سير نمى‏شود. و از طرفى، تقاضاى نامحدود، خواه و ناخواه انجام ناشدنى است، و هميشه مقرون است با نوعى احساس محروميت، دست نيافتن به آرزوها و به نوبه خود، منجر به اختلالات روحى و بيمارى‏هاى روانى مى‏گردد. چرا در دنياى غرب اين همه بيمارى روانى زياد شده؟ علتش، آزادى اخلاق جنسى و تحريكات فراوان سكسى است ...» (6)

به هر حال، ادعاى ما اين است كه: بى‏حجابى در جامعه، بيمارى جسمى و روانى ايجاد مى‏كند.

4- بى بند و بارى در پوشش، سبب بى بند و بارى در روابط جنسى است‏

دليل ديگر وجوب پوشش و اين كه لباس افراد جامعه و مخصوصاً زنان نمى‏تواند به هر شكل و اندازه‏اى باشد و بايد حد و ضابطه‏اى داشته باشد، اين است كه اصولاً بى بند و بارى در پوشش و لباس نهايتاً موجب بى بند و بارى در تحريك غريزه جنسى است. تحقيقات علمى و فيزيولوژى و روانشناسى ثابت كرده كه مردان نسبت به محرك‏هاى چشمى حساستر از زنانند.

«آيا اين همه تجربه در طول تاريخ و عرض جغرافيا، كافى نيست تا بدانيم مسأله جنسى نبايد بدون ضابطه باشد و نبايد هر حيوانى در هر زمان و هر كجا، با هر حيوان ديگر درآميزد؟ مگر نه اين است كه در جامعه حيوانى نيز جفت هر حيوانى مشخص و معلوم است؟ آيا در كشورهايى از قبيل دانمارك، سوئد و كشورهاى شبه جزيره اسكانديناوى، كه محدوديت روابط جنسى از ساير ممالك كمتر است، مشكل حل شده است؟ آيا شگفت نيست كه در اين كشورها كه قاعدتاً بايد آرامش روانى و روحى ايجاد شده باشد، آمار خودكشى از ساير كشورها بيشتر است؟...»(7)

5- كاهش جذابيت زنان‏

همان طور كه پوشش زن، جذابيت او را در نظر ديگران بيشتر مى‏كند، بى‏حجابى و خودنمايى، از جذابيت زن كاسته، كشش و جاذبه او را كاهش مى‏دهد.

آلفرد هيچكاك هنرمند معروف مى‏گويد: «من معتقدم كه زن هم بايد مثل فيلمى پر هيجان و پر آنتريك باشد. بدين معنى كه ماهيت خود را كمتر نشان دهد و براى كشف خود، مرد را به نيروى تخيّل و تصوّر زيادترى وادارد. بايد زنان پيوسته بر همين شيوه رفتار كنند، يعنى كمتر ماهيت خود را نشان دهند و بگذارد كه مردان براى كشف آن‏ها بيشتر به خود زحمت دهند.»

او در سخن ديگرى تصريح مى‏كند: «زنان شرقى تا چند سال پيش، به خاطر حجاب و نقاب و روبندى كه به كار مى‏بردند، خود به خود جذّاب مى‏نمودند و همين مسأله جاذبه نيرومندى به آن‏ها مى‏داد. اما به تدريج، با تلاشى كه زنان اين كشورها براى برابرى با زنان غربى از خود نشان مى‏دهند، حجاب و پوششى كه ديروز بر زن شرقى كشيده شده بود، از ميان مى‏رود و همراه آن از جاذبه جنسى او هم كاسته مى‏شود.»(8)

6- انحطاط اخلاقى و تضعيف معنويت

«بى‏حجابى و كشاندن تمتعات جنسى به صحنه اجتماع، معنويت را تضعيف و موجبات انحطاط اخلاقى جوانان را پديد خواهد آورد. تضعيف معنويت در ميان افراد جامعه، زمينه تسلط همه جانبه دشمنان و غارتگران جهانى را فراهم مى‏آورد. تحذير و بى حس كردن اجتماعات انسانى و تضعيف اراده افراد جامعه براى جلوگيرى از هر گونه مبارزه عليه منافع و سلطه فرهنگى، سياسى از پيامدهاى شوم بى‏حجابى و بى‏بند و بارى است.»(9)

با اميد به آن كه قدر اين نعمت و موهبت الهى را دانسته و در حفظ و صيانت آن لحظه‏اى دريغ و غفلت نورزيم، و لحظه‏اى بينديشيم كه با حركات و پوشش مبتذل، چه كسانى شادمان و خشنود مى‏شوند؟

پى‏نوشت‏ها:

1) حسين مكى، تاريخ بيست ساله، ج 6، ص 252، 258، 265.

2) به نقل از: محمد قطب، اسلام و تجديد حيات معنوى و سيماى جهل در غرب، ص 203.

3) حداد عادل، فرهنگ برهنگى و برهنگى فرهنگى، ص 59.

4) حجةالاسلام محمد تقى رهبر، حجاب و آزادى، ص 231.

5) هدايتخواه، زيور عفاف، ص 84.

6) استاد مطهرى، مسأله حجاب، ص 87 و 88.

7) حداد عادل، همان، ص 65-63.

8) مطهرى، همان، 56 - 51.

9) محمدى آشنانى، حجاب در اديان الهى، ص 212.